



به‌حق از مصادیق بارز و روشن این حدیث شریف بود که «من کان من الفقهاء صائناً لنفسه، حافظاً لدینہ مخالفاً لہواء ومطیعاً لامر مولاه...». در مسئله صیانت نفس، حفظ دین، مخالفت هوای نفس ایشان در حد زیاد بود که جزو اسوه‌های معروف حوزه‌های علمیه بودند که توصیف فضائل اخلاقی ایشان، می‌تواند حوزات علمیه را به طرف خودش جلب و جذب کند و اقتدا کنند به ایشان در آن فضائل و اخلاقیات عالی و مکارمی که ایشان داشتند.

محور سوم: حضور در مسائل سیاسی واجتماعی

مرجع باید در مسائل سیاسی و اجتماعی حاضر در صحنه باشد و ایشان، یکی از مراجع بزرگ عالم اسلام بود که در مسائل سیاسی و مسائل اجتماعی حضور داشت. از همان زمان که نهضت اسلامی ایران در قسه انجمن‌های ایالتی و ولایتی آغاز شد، ایشان، با حضرت امام راحل علیه‌السلام، همگام و هم‌قدم بودند و اعلامیه‌های بسیار غنی و پرمحتوا و کوبنده‌ای می‌دادند. به‌مناسبت‌های مختلفی در صحنه‌های سیاسی حضور داشتند و از حضرت امام پشتیبانی می‌کردند. به یاد دارم موقعی که حضرت امام را تبعید کردند، ایشان در مجلس تدریس که حضور پیدا کردند و مقداری گریه و اظهار تأثر کردند از اینکه امام علیه‌السلام از حوزه علمیه قم تبعید شدند. به هر مناسبتی که می‌رسید، در مقاطع حساس ایشان آن تکلیف الهی خودشان را در مسائل سیاسی انجام می‌دادند. بعد از انقلاب هم همگام و همراه با حضرت امام بودند، نسبت به نظام اسلامی بسیار اهتمام داشتند و توصیه‌های اکیدی نسبت به حفظ نظام داشتند.

محور چهارم: مدیریت

مرجعیت و زعامت ایشان حدود ۳۰ سال طول کشید و در این مدت، ایشان به اداره حوزات علمیه به‌خصوص حوزه علمیه قم پرداختند و کاملاً مواظب بودند که هجوم‌های انحرافی بیرونی یا حجه‌ها و اغراض داخلی، حوزه را به طرف خودش نبرد و حوزه از آن قداست و مصونیتی که دارد، به انحراف کشیده نشود. در طول زعامت‌شان مؤسس نظم و انضباط در حوزه مقدسه قم بودند. اولین مدرسه‌ای که با نظم و انضباط در قم به‌وجود آمد، توسط ایشان تأسیس شد.

آیت‌الله‌العظمی گلپایگانی علیه‌السلام، نسبت به حفظ حوزه‌های علمیه به‌خصوص حوزه علمیه قم اهتمام بسیار داشتند و همیشه تلاش داشتند که حوزه از هم متلاشی نشود و مکرر می‌فرمود: خداوند مقدر کرد که ما بتوانیم در داخل کشور از این حوزه دفاع کنیم و حوزه را حفظ کنیم.

محور پنجم: جنبه‌های عملی

ایشان، خیلی جاذبه داشتند. خیلی تأکید داشتند روی توسلات به اهل بیت علیهم‌السلام. خشیت الهی و خوف از خدا در وجود ایشان نمایان بود و به‌حق می‌شود گفت که ایشان مصداق بارز این آیه مبارکه بودند که خداوند می‌فرماید: «اتما یخشی الله من عباده‌العلماء».

مرجع فقید شیعه

از نگاه بزرگان و علما

• **امام خمینی علیه‌السلام**

«آیت‌الله‌العظمی گلپایگانی، عَزَّ اسلام می‌باشند.»

«من شاگرد خداوند هستم که ایشان را در [این] مقطع زمانی

برای ما نگه داشت تا حامی این نظام مقدس باشند.»

«خدمات و زحماتی که شما (آیت‌الله‌العظمی گلپایگانی)

در طول این انقلاب متحمل شده‌اید، فراموش نخواهد شد.»

«اعلامیه‌هایی که حضرت‌عالی به‌تنهایی صادر می‌کنید، نقش به‌سزایی در پیش‌برد مبارزات ملت مسلمان دارد.»

• **امام خامنه‌ای**

مرحوم آیت‌الله‌العظمی آقای گلپایگانی در شمار برجسته‌ترین مراجع تشیع در نیم‌قرن اخیرند، دوران مرجعیت طولانی ۳۲ ساله ایشان مشحون از فعالیت‌ها و اقداماتی است که از یک مرجع ذی‌نفوذ و عظیم‌الشان مورد انتظار است. احداث مدارس و مساجد و بیمارستان و نمایندگی در خارج از کشور و ورود در عرصه نوآوری‌های خدماتی از قبیل کارهای رایانه‌ای و ساختن مدرسه مخصوص تدریس، از جمله مجموعه کارهای برجسته آن مرحوم است. به‌جز علم و تقوا که شرط اصلی مرجعیت شیعه است، آن بزرگوار از خصلت‌ها و خصوصیات برجسته‌ای برخوردار بود که بارزترین آن، صلابت در امر دین و ایستادگی بر سر مواضعی است که بر اساس تشخیص دینی اتخاذ می‌نمودند.

• **آیت‌الله‌العظمی مکارم شیرازی**

ایشان، یک فقیه بسیار بزرگ بودند. باید عرض کنم در عصر و زمان ما بسیار کم‌نظیر بود. کسانی‌که در ققاهت قابل مقایسه با ایشان باشند، در عصر و زمان انگشت‌شمار بودند.

در مکتب فقهی ایشان سه تا مطلب خیلی جلب توجه می‌کرد. اول عمق نظر ایشان بود. برای پی‌بردن به عمق نظر علاوه بر تقریراتی از جمله کتاب «الدرالمنتور» که در احکام حدود از ایشان منتشر شده، به‌عقیده من ملاحظه حواشی ایشان بر عروه و بر وسیلة‌النجاه، خیلی راهنماست؛ یعنی وقتی نگاه می‌کنیم به فتاوای ایشان، می‌بینیم در ریزه‌کاری‌ها ایشان خیلی دقت می‌کنند. من شباهت زیادی میان مکتب فقهی ایشان و مکتب فقهی آیت‌الله‌العظمی آقای بروجردی علیه‌السلام می‌بینم و می‌دیدم هر دو در بحث‌ها با نهایت دقت وارد می‌شوند. مطلب دوم مسئله استقلال فکری ایشان می‌باشد و اما بعد سوم، احاطه ایشان بر فقه بود. در فقه مسئله احاطه مهم است. کسی‌که مسئله را از او سؤال کنند، برود همان‌جا را مطالعه و جوابی آماده کند، با کسی‌که با مبانی مختلف فقه آشنا باشد و حضور ذهن و احاطه داشته باشد، خیلی فرق دارد. ایشان به‌حق حضور ذهن و احاطه داشتند و یک مسئله را که می‌گفت، با مسائل دیگر می‌سنجید و تمام شقوق مسئله را مطرح می‌کرد.

• **آیت‌الله‌العظمی شیخ جعفر سبحانی**

انسان اگر بخواهد شخصیت یک انسانی را بیان کند، باید نتایج کارهای او را ببیند. نتایج کار بهترین معرف شخصیت یک انسان است نتایج شخص یا نتایج اجتماعی می‌باشد که جامعه از آن بهره می‌گیرد و یا نتایج علمی است که دانشمندان و اندیشمندان از آن بهره می‌گیرند و یا پرورش شاگردان بزرگی است که می‌تواند، بعد از او راه را برای مسلمین باز کند.

آیت‌الله‌العظمی گلپایگانی علیه‌السلام از همین گروه است که هم خدمات اجتماعی انجام داد؛ بیمارستانی ساخت و برای طلاب جوان مدارس روزانه‌ای را تأسیس کرد. در مقام موقعیت علمی ایشان باید عرض کنم، آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری اعلی‌الله‌مقامه‌الشریف شاگردانی برجسته را تربیت کرد که در میان آنها آیت‌الله گلپایگانی علیه‌السلام جزو رریف اول بود؛ البته آیت‌الله حائری یزدی علیه‌السلام برای ده‌ها و صدها تن درس می‌گفته؛ اما آن چنان نبود که تا حد عالی برسند و درجه یک باشند.

ایشان در میان شاگردان آیت‌الله حائری یزدی علیه‌السلام به‌عنوان فرد شاخص در حوزه علمیه قم بودند. آیت‌الله‌العظمی گلپایگانی یک فرد موفق بود؛ یعنی در مسئله موشکافی و دقت بیشتر می‌کرد. برای شناخت مراتب دقت‌نظر او کافی است که حواشی و تعلیقات ایشان را ملاحظه نمود که از جمله عروة‌الوثقی که یک رساله عملیه بزرگی است برای شیعه؛ از همان زمانی که این کتاب درآمده الی یومنا هذا، علماء بر این کتاب تعلیق نوشته‌اند؛ اما از میان همه این تعالیق و حواشی، با احترام نسبت به همه تعالیق و حواشی، دو تعلیق فوق‌العاده است.

۱. تعلیق‌ه مرحوم آیت‌الله‌العظمی بروجردی که عمق نظر و دقت بیشتر او را می‌رسانید.

۲. تعلیق‌ه مرحوم آیت‌الله‌العظمی گلپایگانی است.

اما خدمات حوزوی معظم‌له در این سی‌سال اخیر، یعنی بعد از فوت مرحوم آیت‌الله‌العظمی بروجردی که بخشی از

زعامت حوزه یا اکثریتش بر دوش او بود، نسبت به حوزه فوق‌العاده

کوشش می‌کرد که حوزه باید علمی باشد؛ یعنی: ۱. عمقی باشد. ۲.

مستقل باشد. ۳. علاوه بر این در این حوزه‌ف عشق به اهل‌بیت و

اوامر اهل‌بیت علیهم‌السلام حاکم باشد. گاه‌گاهی در مجالس خصوصی

برای مدرسین و برای کسانی‌که در محضر ایشان حضور داشتند،

صحبت از حضرت ولی‌عصر علیه‌السلام و صحبت از اهل‌بیت علیهم‌السلام

می‌کرد، همه‌اش اشک در چشم‌های او حلقه می‌زد. پیداست که چه علاقه‌ای نسبت به اهل‌بیت علیهم‌السلام داشت؛ علاقه خدادادی و

وافری داشت. خصوصاً کتاب‌هایی که در مسیر اهل‌بیت علیهم‌السلام

بود، در نشر آنها کوشا بود و نسبت به آنها علاقه‌ای داشت. مرحوم آیت‌الله‌العظمی گلپایگانی، مرد سحرخیزی بود که از همان دوران جوانی، سحرخیز بود. این برای ما طلاب درس بزرگی است. نماز شبش ترک نمی‌شد. بعد از اقامه نماز شب در منزل، وقت اذان یا قبل از اذان، به حرم مطهر مشرف می‌شدند، زیارت می‌کردند و بعد تا طلوعه آفتاب مشغول تعقیبات بودند. دعای صباح او ترک نمی‌شد و این خود برای ما درس است. یک آدمی که باید تدریس و تألیف کند و حوایج مردم را جواب گوید، نسبت به نماز و تعقیبات نماز و مناجات این همه علاقه‌مند باشد. همه این‌ها را می‌دیدیم، نه‌تنها من، دیگران هم پیش از من می‌دانند.

• **آیت‌الله‌العظمی جوادی آملی**

حضرت آیت‌الله جوادی آملی در دیدار اعضای ستاد کنگره بزرگداشت آیت‌الله‌العظمی گلپایگانی علیه‌السلام طی سخنانی، با اشاره به اهمیت زنده نگه‌داشتن یاد علما، اظهار کردند: مشکلات جامعه را باید با احیای آثار علما برطرف کرد، مقایسه‌ای بین شهر نجف و مدینه انجام دادند و گفتند: هر چند در مدینه مرقد مطهر پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، حضرت فاطمه زهرا علیها‌السلام و چهارتن از معصومین علیهم‌السلام وجود دارد؛ اما خروجی و برکات مدینه را نمی‌توان با شهر نجف که تنها یک معصوم علیه‌السلام در آن وجود دارد، مقایسه کرد. آن‌چه باعث شده است تا نجف اشرف رونق بگیرد، به‌خاطر مدیریت فقها و علما بوده است که در مدینه شاهد این مدیریت نبوده‌ایم. این مرجع تقلید با بیان این‌که گرمی‌داشت آیت‌الله‌العظمی گلپایگانی علیه‌السلام مایه فخر است، ابراز کردند: این مرجع فقید دارای شخصیتی ولاد در همه ابعاد بودند؛ ولی آن‌چه به‌عنوان یکی از ویژگی بارز ایشان مشهود است، مدیریت منحصربه‌فرد این عالم ربانی در زمان بحران حوزه بود. این مرجع فقید در زمانی مدیریت حوزه‌ها را عهده‌دار بودند که کشور در تلاطم بود و حوزه‌های علمیه در بحران اساسی به سر می‌بردند؛ آن زمان «اُهراری» مردم‌کش در منصب نخست‌وزیری قرار داشت؛ در آن شرایط این فقیه آگاه، با صدور اطلاعیه‌ای وضعیت کشور را آرام کردند. حضرت آیت‌الله جوادی آملی اضافه کردند: اداره کشور در آن زمانی که امام خمینی علیه‌السلام هم در کشور حضور نداشتند، کار آسانی نبود؛ لذا بنده هر وقت یاد آن دوران و مدیریت این عالم وارسته می‌افتم، از خدا می‌خواهم تا ایشان را با انبیا و اولیا محشور فرماید.

• **آیت‌الله مصباح یزدی علیه‌السلام**

من از چهل سال قبل که وارد حوزه علمیه قم شدم، ایشان از چهره‌های شاخص و مشهور حوزه بوده و از کسانی که برای مرجعیت بعد از مرحوم آقای بروجردی مطرح بودند، به‌شمار می‌رفتند. مجلس درس خارج پربرای داشتند که همواره ادامه داشت و بسیار درس پربار و نافعی بود. بعد از درس مرحوم آقای بروجردی، عده‌ای از فضلاء برجسته آن روز که الآن از شخصیت‌های بزرگ و آیات عظام هستند، در درس آن بزرگوار شرکت می‌کردند... همین‌طور نماز جماعتی که صبح‌ها در مسجد بالاسر مرقد مطهر حضرت مطهر حضرت معصومه علیها‌السلام داشتند، یک مرکز تجمعی برای اوتاد و مقدسین و بزرگان بود. نماز جماعت‌شان بسیار با روح و با معنویت بود و او یکی از معدود کسانی بودند که انتظار می‌رفت، بعد از آیت‌الله‌العظمی بروجردی علیه‌السلام پرچم مرجعیت شیعه را به دوش بگیرند. آن‌چه از ویژگی‌های شخصیت ایشان می‌شود نام برد، چند ویژگی برجسته هست که ایشان را در میان سایر اقرانش ممتاز می‌کرد.

از آن جمله؛ مراتب تقوی و پارسایی، اخلاص و وارستگی، بی‌تکلفی، سادگی و بی‌آلایشی او بود. هرکس با ایشان چند دقیقه‌ای معاشرت و مجالست می‌کرد، به‌خوبی این‌ها را لمس می‌کرد. قیافه نورانی و معنوی ایشان الهام‌بخش اخلاص و تقوی بود. وقتی سخن می‌گفتند، محور فرمایشات‌شان همین مسائل بود.

از جمله ویژگی‌های بارز ایشان، ارادت شدید به اهل‌بیت علیهم‌السلام مخصوصاً وجود مقدس حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام بود. ایشان به‌محض اینکه نامی از خاندان پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برده می‌شد، حال خاصی پیدا می‌کردند و اگر اشاره به مصیبتی می‌شد، چشمان‌شان پر از اشک می‌شد. مقتید بودند مجالس بزرگداشت اهل‌بیت علیهم‌السلام به‌خصوص مجالس عزاداری را به‌موقع خودش برگزار کنند و خودشان شرکت فعال داشته باشند.

از ویژگی‌های ایشان علاقه عجیب به ترویج مذهب تشیع در سراسر جهان بود. ایشان این را برای خودشان وظیفه و یک جهاد بزرگی می‌دانستند که هیچ چیز مانع انجام این وظیفه نمی‌شد. در